

در مورد حق زبان عرض کردیم که امام سجاده(ع) با بیان حقوق مربوط به زبان شروع کردند؛ «وَأَمَّا حَقُّ اللِّسَانِ فَأِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى وَتَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَحَمْلُهُ عَلَى الْأَدَبِ وَاجْتِمَاعُهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ وَالْمَنْفَعَةِ لِلدِّينِ وَالدُّنْيَا وَإِعْقَابُهُ عَنِ الْفُضُولِ الشَّنِيعَةِ الْقَلِيلَةِ الْفَائِدَةِ الَّتِي لَا يُؤْمَنُ ضَرَرُهَا مَعَ قَلَّةِ عَائِدَتِهَا وَيُعَدُّ شَاهِدُ الْعَقْلِ وَالِدَّلِيلُ عَلَيْهِ وَتَزِينُ الْعَاقِلِ بِعَقْلِهِ [و] حُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». می فرماید حق زبان تو این است که آن را از دشنام دادن حفظ کنی و گرامی بداری؛ و به خیر آن را عادت دهی و به ادب تربیت وادارش نمایی؛ آن را جز در موارد احتیاج و فایده دین و دنیا به کار مگیری و از سخنان یاوه، زشت و کم فایده که از زیان و خسارانش ایمن نیستی و درآمد آن ناچیز است، معافش بداری؛ زبان را پس از گواه از عقل و راهنمای آن به کار گیری؛ آراستگی فرد عاقل و خردمند به سبب عقل او زیبایی رفتارش در زیر زبان اوست.

وجه تقدیم زبان بر سایر اعضا

عرض کردیم امام سجاده(ع) در بین اعضای هفت گانه ای که در این رساله، حقوق آنها را بیان کرده و توصیه به ادای حقوق آنها کرده، زبان را مقدم داشته است. ما با اشاره به آیه «و علمه البیان» در سوره الرحمن، عرض کردیم خداوند متعال نعمت بیان و تکلم را مقدم بر همه نعمت ها ذکر کرده است؛ ابتدا به خلفت انسان اشاره می کند و بعد می فرماید «و علمه البیان». این به خاطر اهمیت این مسأله است. به هر حال وجه تقدیم زبان به غیر از آیه ای که اشاره کردیم، با روایاتی که انسان را به فکر و حیرت فرو می برد، قابل اثبات است. من به چند روایت اشاره می کنم تا واقعاً معلوم شود که چرا زبان مقدم داشته شد و چرا اهمیت دارد.

۱. اشراف زبان بر سایر اعضا

امام سجاده(ع) در روایتی می فرماید: «إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ، فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكَتْنَا، وَ يَقُولُونَ: اللَّهُ اللَّهُ فِينَا، وَ يُنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ: إِنَّمَا نُنَابُ وَ نَعَاقِبُ بِكَ». حضرت می فرماید زبان فرزند آدم هر روز صبح بر تمام اعضا و جوارحش اشراف پیدا می کند و به آنها می گوید چگونه صبح کردید؟ آنها در پاسخ می گویند: اگر تو ما را به حال خودمان بگذاری و ما را رها کنی، حالمان خوب است. بعد کآن از زبان درخواست می کنند و دست به دامن زبان می شوند که به خدا قسم ما را حفظ کن؛ ما هم به وسیله تو پاداش می گیریم و هم به وسیله تو عقاب می شویم. این یعنی کلید رنج و نعمت سایر اعضا، زبان است. لذا در حالات عارفان بر صمت و سکوت به جا، تأکید شده است؛ چون کلام و سکوت به جا هر دو نعمت هستند؛ اما صمت نابه جا و کلام نابه جا هیچ کدام درست نیست.

۲. کلام، زیباترین و زشت ترین مخلوقات

امیرالمؤمنین(ع) در وصیت به فرزندش محمد بن حنفیه می فرماید: «وَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنَ الْكَلَامِ وَلَا أَقْبَحَ مِنْهُ بِالْكَلامِ ابْيَضَّتِ الْوُجُوهُ وَبِالْكَلامِ اسْوَدَّتِ الْوُجُوهُ وَاعْلَمْ أَنَّ الْكَلَامَ فِي وَتَأْتِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَتَأْتِيهِ فَاحْزَنُ لِسَانِكَ كَمَا تَخْزَنُ ذَهَبَكَ وَوَرَقَكَ فَإِنَّ اللِّسَانَ كَلْبٌ عَقُورٌ فَإِنْ أَنْتَ خَلَيْتَهُ عَقَرَ وَرَبُّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً مِنْ سَيِّبَ عِذَارَةَ قَادَهُ إِلَى كُلِّ كَرِيهَةٍ وَفَضِيحَةٍ ثُمَّ لَمْ يَخْلُصْ مِنْ دَهْرِهِ إِلَّا عَلَى مَقْتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَذَمٍّ مِنَ النَّاسِ». حضرت به فرزندش محمد بن حنفیه می فرماید: خداوند تبارک و تعالی چیزی را نیکوتر از کلام خلق نکرده است؛ چیزی را زشت تر از

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۱۵، ح ۱۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۹۲، باب ۱۱۹ از ابواب احکام العشرة از کتاب الحج، ح ۱۵.

کلام نیافریده است. به واسطه کلام روح‌ها سفید می‌شود و به واسطه کلام روح‌ها سیاه می‌گردد. بدان که کلام در بند توست تا سخن نگفته‌ای؛ تا زمانی که حرف زده‌ای کلام اسیر توست و چون تکلم کردی تو در بند او می‌روی. هنگامی که انسان سخن بگوید و حرف بزند، آدم اسیر سخنش می‌شود که چه گفته است. پس حفظ و مستور کن زبان خود را چنانچه که حفظ می‌کنی طلا و پول خود را. ما برای یک ده هزار تومانی چطور مراقب هستیم که از دست نرود، اما زبانمان اصلاً برای ما اهمیت ندارد؛ هر چه که بر زبان جاری شود را می‌گوییم. همانا زبان سگ عقور است؛ اگر او را رها کنی زخم می‌زند. چه بسا کلمه‌ای که سلب نعمت کند و کسی که لجام خود را رها کند، او را به سوی هر کراهت و فضیحتی می‌کشاند. پس از آن خلاصی نداری در روزگار مگر با غضب خدا و با ملامت مردم. نتیجه رها کردن زبان، غضب خدا و سرزنش مردم است. غضب خدا یک آثار وضعی در دنیا دارد و در آخرت عقاب دارد؛ اما ملامت مردم در این دنیا اثر وضعی کار انسان است که دیر یا زود دامن انسان را می‌گیرد. کسی که زبانش رها شود، ممکن است در کوتاه مدت ایمن باشد، اما امکان ندارد که این دامن او را نگیرد.

اینکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید زیباترین چیزی که خدا خلق کرده زبان است، زشت‌ترین چیزی که خدا خلق کرده زبان است، همین کافی نیست برای تقدیم زبان برای ذکر حقوقش و اینکه باید حقوقش ادا شود؟ قرآن فرموده، امیرالمؤمنین (ع) فرموده؛ اگر بخواهم از این قبیل روایات بگویم، روایات زیاد است؛ روایاتی که بسیار تکان دهنده است و واقعاً انسان می‌ماند که با این همه اهمیتی که زبان دارد، چطور ما نسبت به آن بی‌توجه هستیم.

۳. کلام، منشأ خطاها و گناهان

در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) وارد شده که «مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطْوُهُ وَمَنْ كَثَرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ»؛^۳ کسی که کلام او زیاد شد، خطایش زیاد می‌شود؛ کسی که خطایش زیاد شد، حیای او کم می‌شود؛ کسی که حیای او کم شد، ورع او کم می‌شود؛ کسی که ورع او کم شد، قلبش می‌میرد و کسی که قلبش مُرد، داخل آتش می‌شود. پله پله آثارش شروع می‌شود؛ با یک سخن گفتن، خطای زیاد، کم شدن حیا، کم شدن ورع، مردن قلب و نهایتاً دخول در آتش. من خودم را عرض می‌کنم که ما یا خواب هستیم یا خودمان را به خواب زده‌ایم؛ با چه منطق و معیاری و با چه جرأتی اینطور زبانمان را رها می‌کنیم و حرف می‌زنیم؟ تهمت می‌زنیم، دروغ می‌گوییم، غیبت می‌کنیم. یعنی گاهی واقعاً یک کلمه و جمله آنچنان از انسان سلب توفیق و نعمت می‌کند که انسان می‌ماند که چرا این مشکلات را پیدا کرد. واقعاً باید مسأله دروغ، غیبت، تهمت را جدی گرفت. در جلسه قبل که در رابطه با انصاف سخن گفتم، یکی از مصادیق مهم آن انصاف در گفتار است؛ باید مراقب باشیم. امیرالمؤمنین (ع) در وصیت به محمد بن حنفیه فرمود تا زمانی که حرف زده‌ای کلام در بند توست، ولی وقتی تکلم کردی، تو اسیر کلام می‌شوی. از همان لحظه تا قیامت اسیر این کلام می‌شوی؛ هر کسی کلامش بیشتر منتشر شود، اسارتش شدیدتر است؛ روز قیامت هم این تجلی پیدا می‌کند.

۴. زبان معیار تقوا

این روایت را هم بخوانم و بحث را جمع کنم؛ پیامبر خدا (ص) در وصیت به اباذر این چنین فرمود (گاهی گفتارهای ائمه معصومین (ع) به افراد و اصحاب دلایل و ریشه‌های خاصی داشته است. گاهی یک توصیه‌هایی به برخی می‌کنند برای ویژگی‌ها

و شرایط خاصی که داشته‌اند و باید بیشتر به آنها تذکر داده می‌شد) پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «وَإِمْلَأُوا الْخَيْرَ خَيْرٌ مِنَ السُّكُوتِ وَالسُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ إِمْلَاءِ الشَّرِّ يَا أَبَا ذَرٍّ أَتْرُكُ فُضُولَ الْكَلَامِ وَحَسْبُكَ مِنَ الْكَلَامِ مَا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ يَا أَبَا ذَرٍّ كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِباً أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّهُ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقَّ بِطُولِ السَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ امْرُؤٌ وَلْيَعْلَمْ مَا يَقُولُ».^۴ ای ابادر، گفتار خوب بهتر است از سکوت؛ و سکوت بهتر است از گفتار شر. ای ابادر، کلام زیادی و سخن اضافی را واگذار و بس است تو را از سخن آنچه تو را به حاجت برساند. ای ابادر، کفایت می‌کند در دروغ‌گویی مرد اینکه هر چه شنید نقل کند. اگر این ملاک باشد، همه ما دروغ‌گو هستیم؛ دروغ این نیست که یک چیزی را خودش بسازد و بگوید. می‌فرماید «كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِباً أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ»، در دروغ‌گویی مرد کفایت می‌کند همین که هر چیزی را شنید نقل کند. واقعاً باید بگوییم که شاید کم باشند افرادی که اینطور نباشند؛ مخصوصاً با این فضای مجازی هر چه که می‌شنوند و می‌بینند، برای همدیگر ارسال می‌کنند. این خودش نقل است؛ حالا نقل لزوماً به زبان نیست. ای ابادر، همانا هیچ چیز بیشتر از زبان استحقاق زندان طولانی ندارد. ای ابادر، خدا نزد زبان هر گوینده‌ای است؛ پس انسان باید از خدا بترسد و باید بداند که چه می‌گوید. آیا جا ندارد که امام سجاد(ع) از زبان شروع کند و حقوق زبان را بیان کند؟ همین کافی است تا بگوییم که چرا امام سجاد(ع) در میان اعضای هفت‌گانه با زبان شروع کرد.

«والحمد لله رب العالمين»

۴. امالی (شیخ طوسی)، ص ۵۳۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۸۸، باب ۱۱۸ از ابواب احکام العشرة، کتاب الحج، ح ۱.